

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

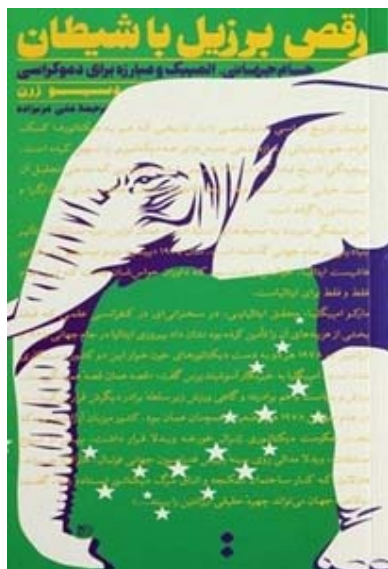
سیاسی

نویسنده: فرزند نعمتی
فرستنده: گاهنامه هنر و مبارزه
۲۹ جون ۲۰۱۸

برای افشای نو لیبرالیسم جهانی شده و انحراف در ورزش یعنی انحراف در آموزش و بهداشت.

آیا جام جهانی نمایش سرمایه‌داری برای چپاول فقر است؟

پایگاه اطلاع رسانی شهر کتاب



جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه از راه رسیده است و بار دیگر هواداران فوتبال به شوق آمده‌اند. عموم رسانه‌ها و بسیاری از مردم جهان، با جدیتی قابل تأمل یک ماه آینده را با تمرکز بر رخدادهای مهم‌ترین تورنمنت ورزشی جهان خواهند گذراند و هر گلی که در هر مسابقه‌ای به ثمر می‌رسد، آدرنالین کره زمین تغییر می‌کند. تمرکز ویژه رسانه‌ها بر آنچه در مستطیل سبز می‌گذرد، اما عموماً تأثیرات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این رقابت‌ها بر جوامع و به‌طور خاص بر جوامع میزبان این رقابت‌ها را از نگاه خیل مشتاقان پرطرفدارترین ورزش جهان پنهان می‌کند و وجهی فانتری به اصل واقعیت این مسابقات می‌بخشد.

واقعیت امر آنست که اگرچه اکثر مردم جهان این واقعیت را پذیرفته‌اند که اصل مسأله فوتبال، در زمین سبز و در نود دقیقه می‌گذرد، اما حتی پذیرش

این امر که نتایج رقابت‌ها به چیزی جز مهارت‌های ورزشی تیم‌ها بستگی ندارد، نافی این نکته نیست که این نتایج، گاه تأثیراتی ویژه بر ملت‌های جهان داشته است. همه ما داستان «دست خدا»ی مارادونا را شنیده‌ایم که گوئی به یاری ارجنتاینی‌ها آمده بود تا خاطره تلخ شکست نظامی آن‌ها از انگلستان در جنگ فالكلند را به مسالمت‌آمیزترین، کم‌هزینه‌ترین و رندانه‌ترین شکل ممکن جبران کند. شادی زایدالوصف هالندی‌ها پس از غلبه بر المان در جام اروپای ۱۹۸۸، جبران بزرگترین دوچرخه‌زدی تاریخ که نازی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم در هالند انجام دادند، تلقی شد و بار آن تحقیر را بر زمین گذاشت.

از این معانی نمادین اما اگر بگذریم، به پوسته دیگری از تأثیر فوتبال در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان اشاره کرد که با جان و مال و امنیت، گوشت و پوست و استخوان ملت‌ها درآمیخته می‌شود. بررسی همین

درهم‌آمیختگی، کاری است که دیو زرن در کتاب «رقص برزیل با شیطان: جام جهانی، المپیک و مبارزه برای دموکراسی» به آن پرداخته است.

این کتاب که در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است، به بررسی پیش‌آمدهای برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ و مسابقات المپیک ۲۰۱۶ در کشور برزیل می‌پردازد و از موضعی ضدجریان جهانی‌سازی و شعار ورزشی ملازم آن: فوتبال و ورزش، سمبل‌های صلح و همزیستی انسان‌ها، به نقد رادیکال ساز و کار کنونی برگزاری این تورنمنت‌های پرهزینه می‌پردازد. لب کلام زرن چیزی بیش از این نیست: «جام جهانی ... ابزاری برای یک غارت نئولیبرالیستی است. جوهر نئولیبرالیسم خارج کردن ثروت از شبکه امنیت اجتماعی عمومی و ریختن آن به جیب سرمایه خصوصی است ... المپیک، جام جهانی و بقیه ابررویدادها در سی سال گذشته، چیزی را فراهم کرده‌اند که با باتوم نظامی هم نمی‌شد به آن رسید؛ و آن چیزی نیست جز رضایت توده‌ها به مقاصد سیاست‌های نئولیبرال. شهر برج و بارودار تروا همان تور امنیت اجتماعی است و اسب‌های تروا بازی‌هایی هستند که مردم اولش به میزبانی آن‌ها افتخار می‌کنند. این‌ها همه تا موقعی است که غارتگران بازار آزاد از شکم خالی آن اسب‌ها پائین بیایند و بی‌رحمانه سهم خودشان را از مردم بگیرند. کشورها عوض می‌شوند اما سناریو همان است: جشن سود و بهشت مالیات برای حامیان مالی و شرکت‌های امنیتی خصوصی، هزینه‌های خجالت‌آور ورزشگاه‌ها از جیب مردم و بعد هم با تمام‌شدن مهمانی، کاهش ظالمانه خدمات اجتماعی که بر گرده فقرافشار می‌آورد.» (صص ۳۶۲ و ۳۶۳)

زرن با لحنی بی‌پروا، با نثری بازیگوش و طعنه‌آمیز و با انواع و اقسام شعبده‌های زبانی، در گزارشی تاریخی و توصیفی، نخست به دست‌اندازی‌های گسترده دولت برزیل بر زاغه‌نشین‌های برزیلی و بی‌خانمان‌کردن زاغه‌نشینان به بهانه برآورده کردن استانداردهای مورد تأیید فیفا و کمیته جهانی المپیک، این امر را نه تنها به واسطه تجاوز سیستماتیک دولت به سکونت‌گاه‌ها و فرهنگ و تاریخ قدیمی مردم فقیر برزیل مورد نکوهش قرار می‌دهد، بلکه دست پنهان بازار و ارزش‌های نئولیبرالی مورد پسند صندوق بین‌المللی پول و شرکای پنهان آن نظیر شرکت‌های چندملیتی و دلالات و زمین‌خواران را در این امر قوی‌تر می‌داند و معتقد است هزینه فساد کلان و جاری در نهادهایی چون فیفا و کمیته جهانی المپیک از جیب مردمان حاشیه‌نشین و بی‌چیز کشورهای میزبان و پائین آمدن عամدانه سطح استانداردهای زندگی آنان در حوزه‌هایی چون آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و امنیت می‌گذرد؛ آن‌هم از طریق هم‌دستی دولت‌هایی سرکوبگر با نهادهایی بین‌المللی که در انحصار نخبگانی آلوده به ارتشاء و بی‌اعتنا به ارزش‌های انسانی چون سامارانش، هاوالانژ، بلاتر و ... بوده‌اند و هستند.

او کتاب خود را با گشتی در فاولاهای برزیل و با اشاره به آهنگ معروف مایکل جکسون: «آن‌ها به ما اهمیتی نمی‌دهند» آغاز می‌کند تا حرف آخر خود را همین اول به ما گفته باشد: آن‌ها (ثروتمندان، سیاستمداران، دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی) به ما (فقیران، بی‌چیزها، بی‌سروپاها) اهمیتی نمی‌دهند. بقیه کتاب کوشش برای توضیح همین امر است و برای همین؛ زرن ابائی ندارد و بلکه آن را لازم می‌داند که مخاطب را به اعماق تاریخ پانصدسال اخیر برزیل ببرد و شکاف طبقاتی مخوف آشیاخته‌کرده در تار و پود نظام اجتماعی برده‌دارانه برزیل از استعمار پرتگال بدین‌سو تا دیکتاتوری‌های نظامی و در نهایت ظهور دولت چپ‌گرای لولا دا سیلوا، رئیس‌جمهور محبوب برزیل در آغاز هزاره سوم را مقدمه‌ای کند برای فهم چرایی وضعیت فعلی برزیل با همه تناقض‌ها و تضادهای نژادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در آن و اعتراضات سراسری مردم برزیل در سال ۲۰۱۳ به برگزاری مسابقات جهانی، آن‌هم مسابقات جام جهانی فوتبال؛ فوتبالی که به راحتی می‌توان گفت: هویت ملی برزیلی‌هاست.

زرن بحث نزاع میان جهانی‌سازی مورد تأکید نهادهای بین‌المللی و بومی‌گرایی مورد احترام مردم برزیل را به فوتبال می‌کشد و فوتبال را به آئینه‌ای بدل می‌کند که در آن می‌توان شکاف استعمار /برده‌داری، الیگارش‌ی زمین‌دار و کشاورزان مهاجر و تلاش برزیلی‌ها برای جذب انواع و اقسام مهاجران و از جمله افریقائی‌های برده به جامعه برزیلی و ادغام خودشان در جهان و کسب احترام و هویت بین‌المللی را مشاهده کرد. او با مقایسه دو ستاره بی‌بدیل فوتبال برزیل: گارینشا و پله که با وجود کسب موفقیت‌های مشابه ورزشی، در زندگی فردی و اجتماعی به دو مسیر متفاوت رفتند، این نکته را به مخاطب گوشزد می‌کند که اگرچه پله، زیرک‌تر و باهوش‌تر بود و توانست خود را پس از پایان دوران ورزش، در سطوح گوناگون سیاست و اقتصاد نمایان کند، اما مردم برزیل با روحیه کولی‌وار گارینشا که در آن نوعی رهائی و بی‌قیدی دیده می‌شود، همراهی بیشتری می‌کنند.

نویسنده فوتبال اروپائی‌مآبانه کنونی برزیل را نیز خیانتی به آن فوتبال زیبای برآمده از سنت‌های بومی این کشور نظیر سامبا و کاپونرا که مشخصه فوتبال برزیلی بود و اینک آن را تنها می‌توان در فوتبال تبعیض‌زده زنان برزیل دید، می‌داند و با اشاره به سیاست‌های ورزشی و اقتصادی نوین در برزیل، نبود فضای کافی برای بازی آزادانه بچه‌های برزیلی و باشگاهی‌شدن افراطی فوتبال در برزیل را شاهدی بر این امر معرفی می‌کند. او سوکراتس را به‌عنوان نمونه فوتبالیست مورد تأیید خود، کسی می‌داند که اولاً فراتر از پیروزی به لذت در ورزش اندیشید و ثانیاً موفقیت‌های ورزشی را با نگرش‌های عدالت‌خواهانه برای رفع تبعیض‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در جامعه برزیل درآمیخت و سخنگوی دموکراسی و برابری در جامعه برزیل شد؛ خلاف پله که راه ماندگاری را در ائتلاف با هیأت حاکمه تشخیص داد و در این راه از تأیید دیکتاتورها تا توجیه فقر زاغه‌نشین‌ها مضایقه نکرد و تنها آن‌گاه نگران فساد در فوتبال برزیل شد که شراکتش با نظام حاکم بر هم خورد.

زرن با نقد سیاست‌های لولا و دیلما روسف، معتقد است آن‌ها اگرچه با شعارهای عدالت‌خواهانه بر سر کار آمدند و خود را حامی حقوق طبقات ضعیف و کارگر جامعه معرفی کردند و به‌خصوص در دوره لولا به موفقیت‌هایی نیز در کاهش شاخص فقر دست یافتند، اما اتخاذ سیاست‌های دوگانه‌ای که از یکسو به همکاری با و جلب اعتماد صندوق بین‌المللی پول و از سوی دیگر تضعیف جنبش و حزب کارگری برزیل انجامیده است، آنان را در مقوله برگزاری رقابت‌های جهانی به اعمال سیاست‌هایی خلاف منافع طبقات فقیر کشانده است و بدین‌وسیله آنان به‌طور عملی خرج میلیاردها دالر برای ساخت ورزشگاه‌ها و خطوط ارتباطی، برقراری شرایط امنیتی و ... را از جیب فقراء برداشت کرده‌اند؛ امری که به اعتراض این طبقه و حتی طبقه متوسط منجر شده است و بیانگر آن است که به قول روماریو: «فیفا رئیس‌جمهور واقعی کشور ماست.»

در یک ارزیابی اولیه و مختصر، می‌توان گفت که کتاب زرن، خواندنی و جذاب است و از منظر عرضه داده‌های تاریخی و ترکیب زیرپوستی آن‌ها با نظریه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی، ماهرانه نگاشته شده است، اما لااقل از دو منظر باید با نگرشی انتقادی آن را خواند: نخست در استفاده اندکی دل‌خواهانه آن از تعبیر «نئولیبرالیسم» و متعاقب آن در همسان‌سازی‌ها و معادل‌یابی‌های سهل‌انگارانه او از موقعیت‌های متفاوت که حتی اگر در حد معتدل آن قابل پذیرش باشد، اما بر طرز افراطی آن نمی‌توان صحه گذاشت.

در مورد نکته اول، زرن نئولیبرالیسم را با نظریه «شوکردرمانی» توضیح می‌دهد که به نظر برخی از محققان «تحریف‌شده‌ترین معنا» برای این واژه است و از باب نمونه و تنها به قصد تذکر گذرا، می‌توان به این نکته اشاره کرد که در چیلی عصر پساکودتای ۱۹۷۳ که پینوشه قدرت را به دست گرفت، اکثر کاربران واژه نئولیبرال، نه حامیان نظام دیکتاتوری پینوشه که منتقدان او بودند؛ کسانی که به نبود آزادی‌های سیاسی اعتراض داشتند. گذشته از این نباید از

بصیرتی که دنیل راجرز در مقاله «فتح کشور یا فتح دانشگاه: چرا دیگر نباید از واژه نئولیبرالیسم استفاده کنیم؟»* به خرج داده است، غافل ماند و با ترکیب چهار وجه متفاوت کاربرد این واژه محبوب مخالفان نظام سرمایه‌داری در دهه اخیر، تفاوت‌های معنادار میان آن چهار سطح (اقتصاد سرمایه‌داری متأخر کنونی / مجموعه‌ای از ایده‌ها / مجموعه جهانی از تدابیر سیاسی / نیروی هژمونیک فرهنگی) را نادیده گرفت و ابهام مفهومی ایجاد کرد. به‌نظر می‌رسد لحن ژورنالیستی زرن که نقطه قوت نثر جاندار و پرهیجان متناسب با التهاب موضوع کتاب است، در این مورد خاص او را به سهل‌انگاری دچار کرده است و باعث ایرادی دیگر نیز شده است: تحمیل منطقی عام بر موقعیت‌هایی خاص. برای نمونه، به‌زعم زرن طراحی رقابت‌های جهانی به‌نحوی است که در هر کشوری فساد، تبعیض، نابرابری و جو امنیتی را دامن می‌زند و نظام‌های سیاسی اقتدارگرا را مشروعیت می‌بخشد. از این منظر فرقی میان یونان، چین، افریقای جنوبی، برزیل، انگلستان، روسیه، کانادا و قطر نیست. این نتیجه‌گیری، گذشته از آن‌که توضیح نمی‌دهد که برای مثال انگلستان و کانادا را باید اقتدارگرا و نیز در قطب حامی و هم‌دست نهادهای بین‌المللی یافت یا نه، با شواهد و قرائن و با وضعیت‌های ویژه نظام‌های سیاسی این کشورها نیز خوانائی ندارد و حتی همین ناهمگونی در گزارش زرن از عواقب برگزاری رقابت‌ها نیز مشهود است.

برای نمونه، زرن در نقد برگزاری المپیک لندن، از آن‌جا که شواهد و قرائن فساد اقتصادی و تبعیض سیاسی نظیر آنچه در ریو و بیجینگ و سوچی یافته است، نمی‌یابد، بیش از حد بر بحث تمهیدات امنیتی تمرکز می‌کند و در نهایت با چنین گزاره ایدئولوژیک سخن خود را پایان می‌دهد: «المپیک همان‌قدر به ورزش مربوط است که جنگ عراق به دموکراسی. مسأله المپیک ورزشکاران نیستند و معلوم است که گردهم‌آوردن «جامعه ملل» هم نیست. اسب‌های تروای نئولیبرالی وجود دارند که هدفشان آوردن تجارت و بردن اساسی‌ترین آزادی‌های مدنی است.» (صص ۲۸۷ و ۲۸۸) حال آن‌که در مورد چین، روسیه و قطر به‌آسانی شواهدی معتبر از نقض حقوق بشر در چین و روسیه، دزدی ۳۰ میلیارد دلاری از بودجه المپیک سوچی و برده‌داری مدرن در قطر ارائه می‌کند.

*دنیل راجرز، ۱۳۹۶، فتح کشور یا فتح دانشگاه: چرا دیگر نباید از واژه نئولیبرالیسم استفاده کنیم؟، مجله اندیشه پویا، شماره ۴۹، صص ۵۳ و ۵۴

رقص برزیل با شیطان: جام جهانی، المپیک و مبارزه برای دموکراسی - نوشته دیو زرن ترجمه علی عربزاده - نشر اسم - ۴۰۰ صفحه - ۲۸۰۰۰ تومان

آدرس الکترونیک متن در پایگاه اطلاع رسانی شهر کتاب:

<http://www.bookcity.org/detail/12832/root/books>